



سلام بر معلم هنر

آشنایی با دنیای ذهنی کودکان، افکار، عواطف و آرزوهای آن‌ها بسیار جالب و جذاب است. کودکان در نقش افراد مورد علاقه‌ی خود ظاهر می‌شوند و نقش بازی می‌کنند. حرکات و صدای حیوانات را تقلید می‌کنند، شکل‌های جدید می‌آفرینند و به هر چیز واقعی رنگ دل‌خواه می‌بخشند. بسیاری از پدیده‌های در دسترس خود را رنگ آمیزی و تزئین می‌کنند. از اتفاقات قصه می‌سازند و با دید خاص خود آن‌ها را به تصویر می‌کشند. با اشیاء و موجودات گوناگون صحبت می‌کنند و به آن‌ها جان می‌بخشند. گاه نیز در مورد دوستان ذهنی خود داستان‌های عجیب تعریف می‌کنند.

معلم‌ان پس از کسب تجربه و تدریس درس‌های گوناگون شناخت عمیقی از دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی کسب می‌کنند. توانایی‌ها، مهارت‌ها، ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را کشف می‌کنند و با ضعف‌ها و قدرت‌هایشان روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها با آموزش درس‌ها توانایی‌های زیادی را در کودکان پرورش می‌دهند. هر یک از علوم بخشی از نیازهای کودک را برطرف می‌کند. ادبیات و رشته‌های هنری هم روح کودکان را صیقل می‌دهند و به احساسات آن‌ها عمق می‌بخشند.

در دوره‌ی ابتدایی، کودکان به تقویت شدن مهارت‌های فیزیکی و پرورش حساسیت‌های کلامی، حرکتی، دیداری و شنیداری نیاز دارند. معلم هنر به دانش‌آموزان کمک می‌کند دقیق‌تر گوش کنند، عمیق‌تر ببینند، به حرکات توجه کنند و نسبت به پدیده‌های اطراف حساسیت بیشتری نشان دهند. دانش‌آموزان باید به احساسات خود توجه کنند و بتوانند آن‌ها را به شیوه‌ی مناسب بیان کنند. اگرچه فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت این حواس نقش مؤثری دارند، ولی مهم‌ترین تأثیر فعالیت‌های هنری، پرورش ذهن و خلاقیت کودکان است.

علاوه بر تمایل فطری به زیبایی، یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی خيال‌پردازی و قدرت تخیل خاصی است که غالباً به مرور زمان رو به افول می‌رود. فعالیت هنری باید محل ابراز خيال‌پردازی‌ها و تخیلات کودکان باشد که در انواع رشته‌های هنری به ظهور می‌رسد. اگر معلم پرورش قدرت تخیل، خلاقیت و زیبایی را در روش کار خود مدنظر داشته باشد، می‌تواند در زنگ هنر از فعالیت هنری کودکان بهترین نتیجه‌ی آموزشی و پرورشی را کسب کند. نکته‌ی اساسی این است که نباید از کودکان توقع داشت مانند

هنرمندان بیندیشند و عمل کنند یا از آن‌ها الگو بگیرند و به تقلید از آثار هنری بزرگسالان بپردازند. تفکرات، تخیلات و ایده‌های کودکان ناب و استثنایی هستند و اگر ابراز نشوند خلاقیت آن‌ها شکوفا نمی‌شود. آن‌ها در مسیر رشد غالباً به دلیل پیروی از الگوهای اجتماعی در زمینه‌های گوناگون، توانایی خيال‌پردازی خود را از دست می‌دهند. معلم هنری که می‌داند کودک باید مراحل رشد خود را طی کند تا به دید واقع‌گرای بزرگسالان برسد، او را مجبور نمی‌کند در فعالیت‌های هنری از چیزی تقلید یا از روش خاصی پیروی کند. بلکه به دانش‌آموز اجازه می‌دهد بیندیشد، ایده‌پردازی کند، تخیلاتش را به مرحله‌ی ظهور برساند و تجربه‌های جدیدی کسب کند.

معلم هنر در کلاس به کودکان اجازه می‌دهد خود تصمیم بگیرند و عمل کنند و نتیجه‌ی تلاش خود را ببینند. بنابراین، از روش آموزش مستقیم استفاده نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد کودکان برای هر فعالیت فکر کنند، راه‌های تازه را بیامیند و دست به ابتکار عمل بزنند. در حین انجام این فعالیت‌ها، کودکان توانایی‌ها و ضعف‌های خود را می‌شناسند و با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که حل کردن آن‌ها نیاز به تفکر

اگرچه فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت حواس پنج‌گانه نقش مؤثری دارند، ولی مهم‌ترین تأثیر فعالیت‌های هنری، پرورش ذهن و خلاقیت کودکان است

انجام تمرین درس‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. پس از انجام هر فعالیت هنری، معلم براساس شناخت کودکان و مفهوم خلاقیت هنری در این دوره، آن‌ها را تشویق و انگیزه‌ی فعالیت‌های بعدی را ایجاد می‌کند. در این راه، معلم نباید از کمبود امکانات نگران باشد، بلکه باید از طریق فعالیت‌های خلاق ساده، ذهن کودکان را به مسیر صحیح هدایت کند. همان‌گونه که بعضی معلمان خلاق هنر در شهرها و روستاها به دانش‌آموزان اجازه داده‌اند که با پودر ذغال روی برف نقشی ایجاد کنند، یا با کیسه‌ی آب سوراخ‌شده روی شن‌ها نقشی اجرا کنند. یا با بطری‌های مصرف‌شده‌ی آب در حیاط مدرسه حجم زیبایی بسازند. پس مهم‌ترین ویژگی معلم هنر موفق، استفاده از روش‌های خلاق

در فعالیت‌های هنری فردی و گروهی است. همچنین، معلم هنر کودکان را در یافتن راه مناسب بیان هنری آزاد می‌گذارد. او به آن‌ها می‌آموزد که درباره‌ی اثر هنری خود (فردی یا گروهی) توضیح دهند.

در کلاس‌های بالاتر دوره‌ی ابتدایی معلم هنر به کودکان می‌آموزد در مورد آثار هنری هم‌کلاسی‌های خود نظر بدهند و احساسات و برداشت خود از کارهای دیگران را بیان کنند. در کلاسی که با این روش برگزار شود، آثار متنوعی اجرا می‌شوند که نتیجه‌ی ذهن خلاق کودکان‌اند. در واقع، هدایت کودکان به تقلید و کپی‌برداری از آثار دیگران مانع فعالیت خلاقه و بروز افکار و عواطف فردی است که هنر به آن تأکید دارد. در مقاله‌ی

بعد، در مورد روش‌های صحیح آموزش هنر در مدرسه مطالبی ارائه خواهیم کرد.

و مدیریت دارد. این تجربه‌ها نه تنها یادگیری و درک عمیق مباحث گوناگون را در پی دارند، بلکه به تقویت حواس، پرورش خلاقیت ذهنی، کشف استعدادها، خودباوری و ارضای درونی منجر می‌شوند. معلم هنر می‌داند که برنامه‌ی هنر در دوره‌ی ابتدایی برای تربیت هنرمند نیست و مانند درس‌های دیگر، هر کودک حق دارد مقدمات رشته‌های هنری را بیاموزد و با آثار هنری آشنا شود. در واقع، تربیت هنری در شکل‌گیری شخصیت نقشی اساسی دارد و برای کودکان مانند تربیت بدنی ضروری است. برنامه‌ریزی فعالیت‌های هنری دوره‌ی ابتدایی در برنامه‌ی درسی ملی براساس نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر انجام شده است تا به پرورش حواس و ایجاد حساسیت و خلاقیت در زمینه‌های گوناگون منجر شود. بنابراین، تجربیات هنری منحصر به نقاشی یا محدود به قشر هنرمندان نیست و همه‌ی افراد باید به این درجه از شکوفایی و خلاقیت برسند تا زندگی را با عمق بیشتری تجربه کنند.

به همین دلیل، معلم در کلاس هنر به کودکان آزادی می‌دهد تا فرصتی برای بیان احساسات و تخیلات خود پیدا کنند. کودکان در کلاس هنر با زیبایی‌های طبیعت و آثار هنری آشنا می‌شوند و خود، آثار زیبایی اجرا می‌کنند. معلم هنر علاقه‌های کودکان را می‌شناسد و از طریق آشناکردن کودکان با آثار هنری اصیل، سطح سلیقه‌ی آن‌ها را ارتقا می‌دهد.

او به کودکان اجازه می‌دهد درباره‌ی موضوعات مناسب گروه سنی خود تفکر و ایده‌پردازی و در رشته‌های گوناگون هنری فعالیت‌ی طراحی کنند.

نمایش

اغلب کودکان به نمایش علاقه‌ی زیادی دارند. معلم می‌تواند در این زمینه آن‌ها را هدایت کند تا کار گروهی و مشارکت در اجرای برنامه را تجربه کنند. هنگامی که کودکان به صورت گروهی نگارش یک متن زیبا، ایجاد هماهنگی برای گویش زیبا، حرکات نمایشی طراحی شده، تزئین صحنه‌ی نمایش (نقاشی و ساخت ماکت و حجم سه‌بعدی)، انتخاب یا طراحی صدا و موسیقی، طراحی لباس، گریم بازیگران و کارگردانی را تجربه کنند، در واقع همه‌ی رشته‌های هنری را تجربه کرده‌اند. در مراحل تمرین و اجرای نمایش، معلم آن‌ها را به ایجاد زیبایی و تجسم تخیلاتشان هدایت می‌کند تا فعالیت‌ی دلپذیر و فراموش‌نشدنی را تجربه کنند. شرکت در چنین فعالیت‌ی به کشف توانایی‌های ناشناخته‌ی کودکان کمک می‌کند و آن‌ها را با ابعاد تازه‌ای از وجودشان آشنا می‌کند. فعالیت خلاقه در اجرای اثر هنری یک تجربه‌ی عمیق درونی است که غالباً در